

ماده ۴:

۱. مقامات صلاحیتدار نباید اجازه بدهند کار اجباری به نفع افراد یا شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی تحمیل شود یا خود چنین کاری به نفع خود تحمیل نمایند.
۲. هرگاه موقع تصویب این مقاوله‌نامه از طرف یک کشور نوعی کار اجباری و تحمیل کار به نفع افراد یا شرکت‌ها و یا شخصیت‌های حقوقی موجود باشد دولت مزبور موظف است که از تاریخ اجرای این مقاوله‌نامه آن را به کلی ملغی سازد.

ماده ۵:

۱. هیچ یک از امتیازاتی که به افراد و شرکت‌ها و یا شخصیت‌های حقوقی واگذار می‌شود نباید اثرات آن را این باشد که یک نوع کار اجباری به منظور تولید یا جمع‌آوری موادی که توسط افراد و شرکت‌ها یا شخصیت‌های حقوقی مزبور مورد استفاده یا معامله قرار می‌گیرد برقرار شود.
۲. چنانچه بعضی از امتیازات موجود شامل مقرراتی باشد که منتج به استقرار کار اجباری گردد مقررات مزبور باید در اسرع وقت مورد تجدید نظر قرار گرفته و با مفاد ماده یک این پیمان منطبق گردد.

ماده ۶:

مأمورین محلی حتی در صورتی که وظیفه‌شان ایجاب نماید که اهالی قلمرو مأموریت خود را به کار و فعالیت تشویق کنند نباید اهالی را به طور انفرادی یا دسته جمعی تحت فشار قرار داده و آنها را به کار کردن برای افراد و شرکت‌ها یا مؤسسات و ادار سازند.

ماده ۷:

۱. رؤسائی که دارای مأموریت اداری نیستند نبایستی به کار اجباری توسل جویند.
۲. رؤسائی که مأموریت اداری به عهده دارند می‌توانند با اجازه صریح مقامات صلاحیتدار با رعایت شرایط مذکوره در ماده ۱۰ این مقاوله‌نامه به کار اجباری یا قهری متوسل گردند.
۳. رؤسائی که جنبه رسمیت دارند ولی حق الزحمه مناسب به عناوین دیگر دریافت نمی‌کنند می‌توانند مطابق مقررات بخصوص از خدمات اشخاص استفاده نمایند

مشروط به اینکه احتیاجات لازم به منظور جلوگیری از سوءاستفاده و زیاده‌روی به عمل آمده باشد.

ماده ۸:

مسئولیت اتخاذ تصمیم در مورد توسل به کار قهری یا اجباری به عهده مقامات عالی‌رتبه کشوری سرزمین مربوطه محول خواهد بود لیکن مقامات مزبور می‌توانند در مواردی که انجام کار اجباری کارگران را از محل سکونت خود دور نمی‌سازد به مقامات عالی‌رتبه محلی اجازه دهند که به آن توسل جویند به علاوه مقامات عالی‌رتبه هر کشور می‌توانند در موارد مذکور در ماده ۲۳ و در تحت شرایطی که در همین ماده قید شده حق استفاده از کار اجباری را به مقامات عالی‌رتبه محلی واگذار نمایند حتی در صورتی که موجب دور شدن کارگران از محل سکونت‌شان باشد ولی به این شرط که کار مرجوعه به منظور تسهیل مسافرت مأمورین محلی یا حمل اثاثیه آنان صورت بگیرد.

ماده ۹:

به استثناء موارد مذکور در ماده ۱۰ این مقاله نامه مقاماتی که صلاحیت صدور دستور کار اجباری را دارند با حصول اطمینان از مراتب زیر به صدور این دستور مبادرت خواهند ورزید.

الف. از کاری که انجام می‌گردد نفع مستقیم و مهمی عاید افرادی که کار توسط ایشان انجام گرفته شود.

ب. انجام آن کار فوریت داشته یا لزوم آن در آینده نزدیک محسوس گردد

ج. با وجود پیشنهاد شرایط کار و دستمزدی که لااقل متساوی با شرایط متداول در آن ناحیه برای انجام کارهای مشابه باشد استخدام آزادانه افراد لازم جهت انجام کار مورد نظر مقدور نبوده باشد.

د. کار یا خدمت مرجوعه با توجه به تعداد و قدرت و استعداد کارگران محلی تحمیل فوق‌العاده بر اهالی آن ناحیه نباشد.

ماده ۱۰:

۱. کارهای اجباری که به عنوان تادیه مالیات انجام می‌شود یا از طرف رؤسائی که سمت اداری دارند به افراد تحمیل می‌گردد باید تدریجاً ملغی گردند.

۲. مادام که این قبیل کارها و خدمات اجباری ملغی نشده‌اند در مواردی که به عنوان تادیه مالیات یا به منظور اجرای امور عام‌المنفعه کار یا خدمت اجباری به افراد تحمیل می‌شود مقامات مربوطه مراتب زیر را ملحوظ داشته از حصول آنها اطمینان حاصل نمایند.

الف. از کار مرجوعه باید نفع مستقیم و عمده عاید افرادی که آن کار را انجام می‌دهند بشود.

ب. انجام کار فوریت داشته یا لزوم انجام آن در آینده نزدیک محسوس گردد.

ج. انجام کار با توجه به تعداد و استعداد و قدرت کارگران محلی تحمیل فوق‌العاده بر اهالی آن ناحیه نباشد.

د. انجام کار یا خدمت مزبور کارگران مربوطه را ناگزیر به دور شدن از محل سکونت عادی خود ننماید.

ه. کار یا خدمت مرجوعه مطابق شرایط محلی و به نحوی که با زندگی اجتماعی و فعالیت کشاورزی اهالی آن ناحیه مناسبت داشته باشد صورت بگیرد.

ماده ۱۱:

۱. فقط افراد ذکور و بالغ یعنی مردانی که سن آنها به ظن قوی از ۱۸ سال کمتر و ۴۵ سال بیشتر نباشد به انجام کار قهری و اجباری مقید خواهند بود و جز در مورد انواع خدمات مذکوره در ماده ۱۰ در سایر موارد مقتضی است که شرایط و محدودیت‌های زیر مراعات گردد.

الف. در کلیه موارد ممکنه یک نفر طبیب که از طرف مراجع اداری تعیین می‌شود صحبت مزاج کارگر را تصدیق و ضمناً گواهی نماید که شخص مزبور استعداد انجام خدمت مرجوعه را دارا می‌باشد.

ب. فرهنگیان اعم از معلمین و دانش‌آموزان و همچنین کارمندان اداری از انجام این نوع خدمات معاف خواهند بود.

ج. در میان سکنه محل بایستی مردان بالغ و سالم جهت ادامه زندگی خانوادگی و فعالیت زراعتی به تعداد کافی باقی بمانند.

د. مناسبات زناشویی و روابط خانوادگی محترم شمرده شود.

۲. به منظور تأمین اجرای مفاد بند ج مذکور در فوق ضمن مقرراتی که وضع آن در ماده ۲۳ این مقاوله‌نامه پیش‌بینی شده است تعداد نسبی (چند درصد) مردان بالغ و سالم هر اجتماع که ممکن است به انجام خدمتی گمارده شوند تعیین خواهد گردید و این تعداد نسبی در هر صورت بیش از ۰/۰۲۵ جمعیت مربوطه نخواهد بود در تعیین تعداد افراد مزبور مقامات صلاحیتدار به موضوع تراکم جمعیت و درجه رشد اجتماعی و جسمانی اهالی و فصل و نیز به مقدار و چگونگی کارهایی که افراد مزبور باید جهت شخص خود انجام دهند توجه داشته و به طور کلی حوائج اقتصادی و اجتماعی زندگی روزمره مردم یک ناحیه را محترم خواهند شمرد.

ماده ۱۲:

۱. حداکثر مدتی که می‌توان یک نفر را به کار قهری یا اجباری وارد ساخت نباید از شصت روز در هر سال (دوازده ماه) تجاوز نماید و مدت زمانی که صرف رفتن به محل کار و مراجعت می‌گردد جزء ایام مزبور محسوب خواهد شد.

۲. به هر یک از افرادی که به انجام کار اجباری مقید می‌گردد گواهی‌نامه‌ای داده خواهد شد که در آن ادواری که فرد مزبور اجباراً کار کرده قید خواهد گردید.

ماده ۱۳:

۱. ساعات معمولی کار برای اشخاصی که کار اجباری می‌کنند باید همان ساعاتی باشد که جهت کارگران آزاد تعیین شده است و بابت ساعات اضافه کار مطابق نرخ ساعات کار اضافی کارگردان آزاد مزد پرداخت خواهد شد.

۲. کلیه افرادی که به کار اجباری اشتغال دارند باید لااقل یک روز در هفته تعطیل داشته باشند و روز مزبور باید حتی المقدور همان روزی باشد که برحسب عرف و عادت به طور متداول در هر کشور یا ناحیه روز تعطیل شناخته شده است.

ماده ۱۴:

۱. در برابر کار اجباری یا قهری به هر نحو و عنوان که باشد باید دستمزد نقدی پرداخت شود جز در مواردی که در ماده ۱۰ این مقاوله‌نامه پیش‌بینی شده است. میزان این دستمزد در هر حال از نرخ مرسوم در ناحیه‌ای که کارگران در آنجا استخدام شده‌اند و نرخ متداول در ناحیه سکونت ایشان کمتر نخواهد بود.

۲. در مواردی که دستور انجام کار اجباری از طرف مأمورین اداری در حین انجام وظیفه صادر می‌شود باید پرداخت دستمزد با رعایت نکات و شرایط مذکور در فوق هرچه زودتر تأمین گردد.

۳. دستمزد افراد مستقیماً به خود ایشان پرداخت خواهد شد نه به رئیس قبیله یا مقامات دیگر

۴. مدت مسافرت به محل کار و مراجعت از آن جزء ایام کار محسوب و دستمزد مربوط به میزان معمول پرداخت خواهد شد.

۵. مقررات این ماده مانع از آن نیست که قسمتی از دستمزد کارگران به صورت جنسی و یا توزیع خواربار میان ایشان تادیه گردد البته مشروط بر اینکه بهای اجناس مزبور از ارزش واقعی آنها تجاوز ننماید و ضمناً چنانچه انجام کار مربوطه پوشاک و خوراک و محل سکونت مخصوص را ایجاد نماید نباید هیچگونه وجهی بابت قیمت آنها یا قیمت ابزار کار و یا به عنوان بدهی مالیاتی از دستمزد کارگران کسر شود.

ماده ۱۵:

۱. کلیه مقررات مربوط به جبران حوادث و بیماری‌های ناشی از کار و نیز رفع خسارت از بازماندگان کارگران متوفی و همچنین تأمین معاش خانواده کارگرانی که در حین انجام کار بیمار و یا ناقص‌العضو می‌شوند در مورد افرادی که کار قهری یا اجباری انجام می‌دهند مجری خواهد بود اعم از اینکه در حال حاضر این مقررات درباره ایشان اجرا شده یا بعداً اجرا گردد.

۲. کلیه مقاماتی که کارگران را به کار قهری یا اجباری می‌گمارند باید متعهد و مقید باشند که هنگام بروز حادثه یا بیماری که جزء یا کار قدرت اهاشه کارگر را سلب نماید آینده وی را تأمین نمایند مقامات به علاوه مزبور در چنین مواردی باید معاش افرادی را که تحت تکفل کارگر مذکور می‌باشند تأمین نمایند.

ماده ۱۶:

۱. افرادی که به انجام کار قهری یا اجباری گمارده می‌شوند جز در پاره‌ای موارد استثنائی نباید به نقاطی اعزام گردند که تفاوت شرایط آب و هوا و خوراک آنها با شرایطی که کارگران به آنها خوی گرفته‌اند به حدی باشد که از این رهگذر سلامتی کارگران در معرض مخاطره قرار گیرد.

۲. نقل و انتقال کارگران بدون اینکه اقدامات لازم از نظر بهداشت و مسکن و غیره به نحوی که سلامتی ایشان را تأمین نماید به عمل آمده باشد اکیداً ممنوع است.
۳. چنانچه این نقل و انتقال احترام ناپذیر باشد بایستی اقدامات مقتضی به منظور عودت دادن تدریجی کارگران به شرایط آب و هوا و خوراک جدید به عمل آید. این اقدامات طبق دستور مؤسسات بهداشتی و طبی صلاحیتدار اتخاذ خواهد گردید.
۴. در صورتی که کاری به کارگران رجوع شود که به انجام آن عادت نداشته باشند باید اقدامات مقتضی به عمل آید که به کار مزبور عادت نمایند این اقدامات بیشتر به منظور ممارست در کار و طول کار و اعطای استراحت در فواصل ساعات کار و بهبود خوراک و تهیه خوراک اضافی جهت ایشان صورت خواهد گرفت.
- ماده ۱۷:

در مورد انجام عملیات ساختمانی یا حفاظت و ترمیم ساختمان‌ها و مؤسسات که اقامت ممتد کارگران را در محل بخصوص ایجاب می‌نماید مقامات صلاحیتدار باید قبل از صدور اجازه استفاده از کار اجباری مراتب زیر را در مورد توجه قرارداد و از رعایت آنها اطمینان حاصل نمایند.

۱. کلیه اقدامات لازم به منظور تأمین بهداشت کارگران و احیاناً درمان ایشان به عمل آمده است و مخصوصاً مراتب زیر مسلم گردد:

الف. کارگران قبل از اشتغال به کار مورد معاینه پزشکی قرار گرفته و بعداً نیز هرچند مدت یک بار مورد معاینه قرار خواهند گرفت.

ب. در مانگاه یا بیمارستان و مأمورین پزشکی و لوازم بهداشتی و غیره به اندازه کافی جهت رفع حوائج در محل موجود است.

ج. ترتیباتی که به منظور رعایت اصول بهداشتی در محل کار و همچنین از نظر تهیه محل سکونت و آب و سوخت و لوازم طبخ و غیره داده شده است.

۲. اقدامات لازم جهت تأمین معاش خانواده کارگران به عمل آمده و خصوصاً ترتیباتی داده شده باشد که کارگران به وسیله مطمئن و مناسب در صورتی که مایل باشند مبلغی از دستمزد خود را برای خانواده‌شان بفرستند.

۳. انتقال کارگران یعنی عزیمت ایشان به محل کار و مراجعت از آن از طرف سازمان

مربوطه تأمین شده و سازمان مزبور حداکثر وسائط نقلیه ممکن را برای سهولت مسافرت کارگران تأمین نموده و گذشته از قبول مسئولیت در مورد انتقال کارگران هزینه سفر ایشان را نیز پرداخته است.

۴. در صورت بروز حادثه یا بیماری که منجر به فقدان قابلیت کار شود وسائل مراجعت کارگر به هزینه سازمان فراهم شده است.

۵. هر کارگری که پس از انقضای دوره کار اجباری بخواهد در همان محل به عنوان کارگر آزاد سکونت اختیار نماید تا مدت دو سال از حق مراجعت به وطن خود به هزینه سازمان مربوطه محروم نخواهد بود.

ماده ۱۸:

۱. کار قهری یا اجباری که منظور آن انتقال اشخاص یا حمل اثاثیه و بار و کالای ایشان باشد مانند باربری و یا روزنی باید هرچه زودتر ملغی گردد و تا موقعی که ملغی نشده باید مقرراتی مشتمل بر نکات زیر تدوین گردد:

الف. از این قسم خدمات فقط به منظور تسهیل نقل و انتقال مأمورین دولتی در حین انجام وظیفه رسمی و حمل اثاثیه آنان تنها در موارد بسیار ضروری و قوی در مورد اشخاص دیگر، استفاده به عمل خواهد آمد.

ب. فقط افرادی به انجام این قبیل خدمات گمارده خواهند شد که قبلاً مورد معاینه پزشکی قرار گرفته و استعداد ایشان جهت انجام کارهای مزبور گواهی شده باشد در صورت عدم امکان معاینه پزشکی شخصی که کارگران را به این قبیل کارها و می‌دارد باید قبلاً اطمینان حاصل نماید که دارای قدرت و استعداد جسمانی لازم بوده و هیچگونه بیماری واگیردار مبتلی نمی‌باشند.

ج. حداکثر وزن باری که حمل می‌شود قبلاً تعیین شده باشد.

د. حداکثر راهی که پیموده می‌شود قبلاً معین باشد.

ه. قبلاً معلوم شده باشد که حداکثر چند روز در سال از این قبیل کارها و خدایان را به کارگران تحمیل نمود.

و. قبلاً معلوم شده باشد که چه اشخاصی حق دارند کارگران را به این قبیل خدمات بگمارند و حدود استفاده از این حق کدام است.

۲. هنگام تعیین کیفیات مذکور در بندهای ج، د، ه، و فوق‌الذکر مقامات صلاحیتدار باید عوامل مختلف و مخصوصاً استعداد جسمانی اهالی آن محل وضع طرق و شوارع و شرایط اقلیم هر ناحیه را کاملاً در نظر گرفته به آن توجه داشته باشند.

۳. از این گذشته مقامات صلاحیتدار باید ترتیباتی اتخاذ نمایند که حداکثر مسافتی که در یک روز طی می‌شود به طور متوسط از مدت یک روز کار ۸ ساعته تجاوز ننماید.

البته در تعیین مسافت نه تنها وزن محموله و مسافت بلکه وضع راه و شرایط موسمی و سایر عوامل مؤثر باید مورد توجه قرار گیرند چنانچه کارگران مجبور باشند مسافت زیادتری را به پیمایند باید بابت این مسافت اضافی دستمزد به میزان بالاتر پرداخت گردد.

ماده ۱۹:

۱. مقامات صلاحیتدار فقط در صورتی می‌توانند اهالی یک ناحیه را به کشت و زرع اجباری وادار سازند که بیم نکث محصول و بروز قحطی مشهود باشد و در هر حال باید غلات یا محصولات دیگری که از این طریق به دست می‌آید به خود افراد یا دستجاتی که به کشت آن مبادرت ورزیده‌اند واگذار شود.

۲. در مواردی که طبق قانون یا عرف و عادت محلی کشت و زرع به طور دسته جمعی و موافق اصول اشتراکی صورت می‌گیرد و محصولات یا سود حاصل شده به اجتماع مربوطه تعلق می‌گیرد نباید مقررات این ماده طوری تعبیر و تفسیر شود که افراد اجتماعات مزبور از انجام وظائفی که از این بابت به عهده دارند معاف گردند.

ماده ۲۰:

هرگاه طبق قوانین موضوعه کشوری یا محلی برای پاره‌ای جرائم کیفرهای عمومی پیش‌بینی شده باشد کار اجباری را نمی‌توان جزء مجازات‌های مذکور به حساب آورده و به افراد و یا دستجات و اجتماعات تحمیل نمود.

ماده ۲۱:

در مورد کارها و عملیات تحت‌الارضی که در معادن و غیره انجام می‌گیرد نباید از کار قهری و اجباری استفاده به عمل آید.

ماده ۲۲:

ضمن گزارشاتی که مطابق ماده ۲۲ اساسنامه بین‌المللی کار باید کشورهای که به این مقاله نامه ملحق شده‌اند در مورد اجرای مفاد آن به دفتر بین‌المللی کار بدهند در خصوص حدود و شرائط کار اجباری در مناطق و نواحی مربوط آن کشور حتی المقدور اطلاعات جالبی ذکر خواهد شد.

این اطلاعات ضمناً متضمن این نکات خواهد بود. کار اجباری به چه مقصد و منظور انجام گرفته است میزان تلفات و حوادث ناشی از کار اجباری، شماره ساعات کار، طرز پرداخت دستمزد و میزان آن و همچنین سایر اطلاعات لازم.

ماده ۲۳:

۱. مقامات صلاحیتدار موظفند آئین‌نامه جامع و دقیقی از موارد کار اجباری و قهری و شرائط آن به منظور اجرای مقررات این مقاله نامه تهیه و تدوین نمایند.
۲. در آئین‌نامه مذکور باید قید شود که کلیه افرادی که به کار قهری یا اجباری گمارده شده‌اند حق خواهند داشت اعتراضاتی که در خصوص شرائط کار مزبور دارند به مقامات مربوطه و ذیصلاحیت تسلیم دارند و آئین‌نامه مزبور باید رسیدگی به اعتراضات واصله و هرگونه اقدام را در خصوص آنها را تضمین و تأمین نماید.

ماده ۲۴:

در هر حال اجرای مفاد آئین‌نامه کار قهری یا تحمیلی با وضع مقررات مناسب تأمین خواهد شد برای انجام این مقاصد ممکن است وظایف سازمان‌های بازرسی فعلی توسعه یافته و صلاحیت رسیدگی و بازرسی کار قهری یا اجباری نیز به آنها واگذار گردد و یا سازمان‌های بازرسی مخصوصی تأسیس گردد. ضمناً باید ترتیبات مقتضی جهت آگاه ساختن افراد ذینفع از مقررات مزبور داده شود.

ماده ۲۵:

تحمیل غیرقانونی کار قهری یا اجباری باید طبق قانون مورد تعقیب جزائی قرار بگیرد و کلیه کشورهای که به این مقاله نامه ملحق می‌شوند باید اطمینان حاصل کنند که مقررات جزائی مزبور مؤثر بوده و دقیقاً اجرا می‌گردد.

ماده ۲۶:

۱. هر یک از کشورهای هائی که به این مقاوله‌نامه ملحق می‌شوند مکلف است مفاد آن را در کلیه سرزمین‌های تحت اداره خود اعم از مستعمره و تحت‌الحمایه و سرزمین تحت قیمومت و غیره لااقل تا حدودی که دخالت در امور قضائی داخلی به آنها واگذار شده به مورد اجرا بگذارند لیکن در صورتی که کشور مزبور بخواهد به مقررات ماده ۳۵ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار استناد نماید بایستی ضمن گزارش خود اعلامیه‌ای حاوی نکات زیر تسلیم نماید.

الف. سرزمین‌هائی که کشور مزبور حاضر است مفاد این مقاوله‌نامه را در آنجا بالتمامه و کاملاً به مورد اجرا بگذارد.

ب. سرزمین‌هائی که کشور مزبور مایل است مفاد این مقاوله‌نامه را در آنجا با تغییرات و اصلاحات اجرا نماید با ذکر چگونگی تغییرات و اصلاحات مزبور.

ج. سرزمین‌هائی که اتخاذ تصمیم در خصوص آنها به آینده موکول می‌شود.

۲. اعلامیه فوق‌الذکر جزء لاینفک مقاوله‌نامه حاضر محسوب شده و آثار مترقبه بر آن نیز از همان قرار خواهد بود کشورهای هائی که این اعلامیه را تسلیم کرده‌اند می‌توانند بعداً با ارسال اعلامیه دیگر از تمام یا قسمتی از نکات مذکور در فقره ۲ و ۳ مذکور در فوق صرف‌نظر نمایند.

ماده ۲۷:

تصویب رسمی این مقاوله‌نامه طبق شرایط مذکور در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار انجام می‌شود و به اطلاع مدیر کل دفتر بین‌المللی کار رسیده توسط معزیه‌ایه به ثبت خواهد رسید.

ماده ۲۸:

۱. تنها کشورهای هائی مکلفند مفاد این مقاوله‌نامه را به مورد اجرا بگذارند که الحاق ایشان در دفتر بین‌المللی کار به ثبت رسیده باشد.

۲. این مقاوله‌نامه دوازده ماه پس از تاریخ ثبت الحاق دو کشور عضو دارد مرحله اجرائی خواهد شد.

۳. پس از تحقیق مراتب مذکور در مورد هر کشور عضو شش ماه پس از تاریخ ثبت الحاق آن کشور وارد مرحله اجرا خواهد شد.

ماده ۲۹:

به مجرد اینکه الحاق دو کشور عضو سازمان در دفتر بین‌المللی کار به ثبت رسیده مدیر کل دفتر بین‌المللی کار مراتب را به کلیه کشورهای عضو اطلاع خواهد داد و همچنین ثبت الحاق هر یک از کشورهای عضو به اطلاع سایر کشورهای عضو نیز رسانده خواهد شد.

ماده ۳۰:

۱. هر یک از کشورهای عضو که به این مقاله‌نامه ملحق شود می‌توانند پس از انقضای مدت ده سال از تاریخ الحاق اولیه خود با ارسال اعلامیه‌ای که در دفتر بین‌المللی کار ثبت خواهد شد عمل الحاق خود را به مقاله‌نامه حاضر لغو نماید.
- الفای مقاله‌نامه یک سال پس از تاریخ ثبت آن عملی خواهد شد.
۲. هر یک از کشورهای عضو که این مقاله‌نامه را امضاء کرده باشند و تا یک سال پس از انقضای مهلت ده ساله مذکور در بند فوق از حق الفای آن استفاده ننمایند تا مدت پنج سال دیگر به اجرای مفاد آن مکلف خواهند بود و بعداً نیز در رأس هر پنج سال طبق شرایط این ماده حق الفای آن را خواهند داشت.

ماده ۳۱:

در رأس انقضای هر یک از ادوار پنج ساله هیئت مدیره دفتر بین‌المللی کار گزارشی در خصوص اجرای مفاد این مقاله‌نامه به کنفرانس بین‌المللی کار تسلیم نموده و ضمناً تصمیم خواهد گرفت آیا موضوع تجدیدنظر در این مقاله‌نامه باید در دستور جلسه کنفرانس قید گردد یا خیر؟

ماده ۳۲:

۱. هرگاه کنفرانس عمومی مقاله‌نامه جدیدی را مبنی بر تجدیدنظر جزئی یا کلی در مفاد مقاله‌نامه حاضر تصویب نماید عمل الحاق یک کشور عضو به مقاله‌نامه جدید بدون رعایت مهلت‌های فوق‌الذکر به منزله الفای مقاله‌نامه فعلی محسوب خواهد شد. مشروط به اینکه مقاله‌نامه جدید وارد مرحله اجرائی شده باشد.
۲. از تاریخ ورود مقاله‌نامه جدید به مرحله اجرا کشورهای عضو نمی‌توانند به مقاله‌نامه حاضر ملحق گردند.

۳. مقاله‌نامه حاضر برای کشورهایی که به آن ملحق شده و الحاق خود را به مقاله‌نامه جدید اعلام نداشته‌اند همچنان قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۳۳:

متن فرانسه و انگلیس این مقاله‌نامه متساویاً معتبر خواهد بود. متن بالا متن صحیح مقاله‌نامه در خصوص کار اجباری (۱۹۳۰) می‌باشد که در سال (۱۹۴۶) توسط مقاله‌نامه دیگری مورد تجدیدنظر قرار گرفته است.

متن اصلی در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۳۰ به امضای آقای م.ا.ما هم رئیس کنفرانس عمومی و آقای البرتوما مدیر کل دفتر بین‌المللی کار ممضی شده و به تصویب ایشان رسیده است و برای نخستین بار در تاریخ اول مه ۱۹۳۲ وارد مرحله اجرایی شده است با توجه به مراتب فوق طبق مقررات ماده ۶ مقاله‌نامه دائر بر تجدیدنظر در مواد آخر آن (۱۹۴۶) در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۴۸ دو نسخه از متن مقاله‌نامه را با قید اصلاحاتی که در آن به عمل آمد تصویب می‌نماید.

بخش دهم

مقاوله نامه شماره ۱۰۵ در خصوص لغو کار اجباری

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در چهلمین دوره اجلاسیه خود منعقد در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۵۷ در ژنو بنا به دعوت هیئت مدیره دفتر بین‌المللی کار پس از مطالعه در اطراف مسئله کار اجباری که چهارمین فقره دستور جلسه را تشکیل می‌دهد و با عطف توجه به مفاد مقاوله نامه کار اجباری ۱۹۳۰ و همچنین با توجه به اینکه مقاوله نامه راجع به بردگی مصوبه ۱۹۲۶ پیش‌بینی نموده که به منظور جلوگیری از اینکه کار اجباری شرایطی مشابه بردگی به وجود نیارد تدابیر لازم و مفید اتخاذ گردد، و نظر به اینکه مقاوله نامه تکمیلی ۱۹۵۶ در خصوص لغو بردگی، داد و ستد برده و سازمان‌ها و اعمال مشابه با بردگی ناظر به الغای کامل اسارت ناشی از قرض و قیادت می‌باشد و با در نظر گرفتن مفاد مقاوله نامه ۱۹۴۹ راجع به حمایت مردها که به موجب آن پرداخت مردها باید به طور منظم صورت گرفته و در این مورد اعمال هر رویه که کارگران از امکان واقعی ترک کار خود محروم سازد ممنوع گردد و با اتخاذ تصمیم به پذیرش پیشنهادات واصله دیگر در زمینه منع بعضی اشکال کار اجباری که متضمن نقض حقوق بشر مندرجه در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گردد و تصمیم بر این که پیشنهادات مزبور بایستی به صورت یک مقاوله نامه بین‌المللی درآید. در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۷ مقاوله نامه ذیل را تحت عنوان مقاوله نامه لغو کار اجباری ۱۹۵۷ مورد پذیرش قرار می‌دهد.

ماده ۱:

هر یک از کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار که به این مقاوله‌نامه ملحق می‌شوند موظفند از کار اجباری به هر صورتی که باشد جلوگیری نموده از مبادرت به استفاده از هرگونه کار اجباری:

الف. به صورت تحمیل یا آموزش عقاید سیاسی، مجازات و تنبیه به علت داشتن یا ابراز عقاید سیاسی یا عقایدی که از نقطه نظر ایدئولوژی مخالف سیستم موجود سیاسی اجتماعی و اقتصادی باشد.

ب. به عنوان بسیج کارگران و استفاده از آن به قصد توسعه و پیشرفت اقتصادی.

ج. به صورت انضباط.

د. به عنوان تنبیه و مجازات به علت شرکت در اعتصابات.

ه. به صورت تبعیضات نژادی، اجتماعی، ملی و مذهبی خودداری نمایند.

ماده ۲:

کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار که به این مقاوله‌نامه ملحق می‌شوند بایستی اقدامات مؤثری به منظور لغو فوری و کامل کار اجباری به نحوی که در ماده یک مقاوله‌نامه تصریح گردیده به عمل آورند.

ماده ۳:

الحاق به این مقاوله‌نامه به مدیر کل دفتر بین‌المللی کار اطلاع داده شده و توسط مشارلیه به ثبت خواهد رسید.

ماده ۴:

۱. تنها کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار که الحاق آنان توسط مدیر کل دفتر

بین‌المللی کار به ثبت رسیده باشد ملزم به اجرای مقاوله‌نامه حاضر خواهند بود.

۲. این مقاوله‌نامه دوازده ماه پس از الحاق دو کشور عضو و ثبت آن توسط مدیر کل وارد

مرحله اجرایی می‌شود.

۳. از آن پس مقاوله‌نامه در مورد هر کشور عضو دیگر ۱۲ ماه بعد از تاریخی که الحاق آن

کشور به ثبت برسد لازم الاجراء خواهد بود.

ماده ۵:

۱. هر یک از دول عضو که به این مقاله نامه ملحق می شوند در انقضای ده سال از تاریخ اجرای اولیه این مقاله نامه می توانند با ارسال درخواستی جهت مدیر کل دفتر بین المللی کار که به وسیله مشارالیه به ثبت خواهد رسید از اجرای مقاله نامه حاضر صرف نظر نمایند این درخواست یک سال پس از تاریخ ثبت واجد اثر خواهد بود.
۲. هر یک از کشورهای عضو که به این مقاله نامه ملحق می شوند چنانچه در ظرف یک سال پس از انقضای دوران ده ساله مذکور در بند فوق از حقی که در این ماده مقرر شده است استفاده نمایند ملزم خواهند بود برای مدت ده سال دیگر مفاد آن را اجرا کنند و از آن پس هر ده سال به ده سال حق دارند طبق مقررات مذکور در این ماده از اجرای این مقاله نامه صرف نظر نمایند.

ماده ۶:

۱. مدیر کل دفتر بین المللی کار بایستی موارد الحاق و انصراف کلیه اعضاء سازمان بین المللی کار را که به مشارالیه ابلاغ می گردد به اطلاع عموم اعضای سازمان برساند.
۲. همچنین مدیر کل دفتر بین المللی کار ضمن اعلام دو فقره الحاق اعضای سازمان که به وی ابلاغ گردیده باید توجه اعضاء سازمان را به تاریخ شروع اجراء مقاله نامه معطوف سازد.

ماده ۷:

مدیر کل دفتر بین المللی کار باید طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد اطلاعات کامل در خصوص کلیه موارد الحاق و انصراف دول عضو که بنا به مقررات مواد قبل در دفتر وی ثبت گردید به دبیر کل سازمان ملل متحد جهت ثبت ابلاغ نماید.

ماده ۸:

هیئت مدیره دفتر بین المللی کار در هر زمان که ضروری بداند گزارشی در خصوص نحوه اجرای مقاله نامه به کنفرانس عمومی تسلیم نموده و هرگاه ایجاب نماید موضوع تجدیدنظر در کلیه و یا قسمتی از مقررات مقاله نامه حاضر را در دستور کار کنفرانس قرار خواهد داد.

ماده ۹:

۱. چنانچه کنفرانس مقاوله‌نامه جدیدی را متضمن تجدیدنظر در کلیه یا قسمتی از مقاوله‌نامه حاضر مورد پذیرش قرار دهد در این صورت مشروط به آنکه مقاوله‌نامه جدید متضمن مقررات دیگری نباشد. به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

الف. الحاق به مقاوله‌نامه تجدیدنظر شده جدید از طرف یک کشور عضو به خودی خود از تاریخی که مقاوله‌نامه جدید به مرحله اجراء وارد شود و صرف‌نظر از مفاد ماده ۵ فوق متضمن انصراف فوری آن عضو از اجرای مقررات این مقاوله‌نامه خواهد گردید.

ب. از تاریخی که مقاوله‌نامه تجدید نظر شده جدید به مرحله اجرا درآید مسئله الحاق به مقاوله‌نامه حاضر منتفی خواهد بود.

۲. در هر حال مقررات مقاوله‌نامه حاضر به همین صورت در مورد اعضائی که به آن ملحق شده و الحاق خود را به مقاوله‌نامه تجدیدنظر شده اعلام نکرده باشند مجری خواهد بود.

ماده ۱۰:

متن انگلیسی و فرانسه این مقاوله‌نامه متساویاً معتبر می‌باشد. شرح فوق متن معتبر مقاوله‌نامه‌ای است که طی چهلمین جلسه کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در ژنو که در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۵۷ به پایان رسیده مورد پذیرش قرار گرفته است. به اعتماد مراتب فوق در تاریخ چهارم ژوئیه ۱۹۵۷ امضاء می‌شود.

بخش یازدهم

متن قرارداد راجع به جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن

مجمع عمومی متن قرارداد ضمیمه مربوط به جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) را تصویب و به موجب ماده ۱۱ همان قرارداد آن را برای امضاء و تصویب و الحاق در دسترس دول می‌گذارند. قرارداد برای جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) طرف‌های متعاقد با در نظر گرفتن اینکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به وسیله قطعنامه شماره (۱) - ۸۶ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ خود اعلام داشته که کشتار جمعی (ژنوسید) جنایتی است که نسبت به حقوق بین‌المللی ارتکاب می‌شود و برخلاف روح و مقصد سازمان ملل بوده و دنیای متمدن چنین عملی را محکوم می‌کند و با اذعان به اینکه در تمام دوره‌های تاریخ این عمل خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته است و با اطمینان به اینکه برای رهایی عالم انسانیت از چنین بلبه وحشتناک همکاری بین‌المللی ضرورت دارد در مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده اول:

طرف‌های متعاقد تصدیق و تأیید می‌کنند که (ژنوسید) اعم از اینکه در موقع صلح صورت گیرد یا جنگ به موجب حقوق بین‌المللی جنایت محسوب می‌شود و تعهد می‌کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قرار دهند.

ماده دوم:

در قرارداد فعلی مفهوم کلیه (ژنوسید) یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا قسمتی از گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد. از این قرار:

۱. قتل اعضاء آن گروه.
۲. صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه.
۳. قرارداد عمدی گروه در معرض وضعیات زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.
۴. اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل آن گروه صورت گیرد.
۵. انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر.

ماده سوم:

اعمال ذیل مجازات خواهد شد.

۱. (ژنوسید) کشتار دسته‌جمعی.
۲. تبانی به منظور ارتکاب ژنوسید.
۳. تحریک مستقیم و هلنی برای ارتکاب ژنوسید.
۴. شروع به ارتکاب به ژنوسید.
۵. شرکت در جرم ژنوسید.

ماده چهارم:

اشخاصی که مرتکب به ژنوسید و یا اعمال مشروحه در ماده سوم شوند اعم از اینکه اعضاء حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص هادی باشند مجازات خواهند شد.

ماده پنجم:

طرف‌های متعاقد ملتزم می‌شوند که بر طبق قوانین اساسی مربوط خود تدابیر قانونی لازم برای تأمین اجرای مقررات این قرارداد اتخاذ نمایند. و مخصوصاً کیفرهای مؤثر در باره مرتکبین ژنوسید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سوم را در نظر بگیرند.

ماده ششم:

اشخاص متهم به ارتکاب ژنوسید یا یکی از اعمال دیگر مشروحه در ماده سه به دادگاه‌های صالح کشوری که جرم در آنها ارتکاب شده و یا به دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف‌های متعاقد صلاحیت آن را شناخته باشند جلب خواهند شد.

ماده هفتم:

عمل ژنوسید و اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ از لحاظ استرداد مجرمین جرم سیاسی محسوب نمی‌شود، در این قبیل موارد طرف‌های متعاقد تعهد می‌کنند طبق قوانین کشور خود و قراردادهای موجوده استرداد موافقت نمایند.

ماده هشتم:

هر یک از متعاهدین می‌توانند از مراجع صلاحیتدار سازمان ملل بخواهند که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور دو ماده ۳ اقدامات مقتضی به عمل آورد.

ماده نهم:

اختلافات حاصله میان متعاهدین در خصوص تفسیر و تطبیق یا اجرای این قرارداد منجمله اختلافات راجع به مسئولیت یک دولت در مورد عمل ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ به تقاضای یکی از طرفین اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع می‌شود.

ماده دهم:

این قرارداد که متن‌های چینی و انگلیسی و فرانسه و روسی و استانبولی آن متساویاً معتبر شناخته می‌شود تاریخ (۹) دسامبر ۱۹۴۸ را خواهد داشت.

ماده یازدهم:

این قرارداد تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۹ برای امضاء اعضای سازمان ملل متحد و هر دولت غیرعضوی که مجمع عمومی در این خصوص از آن دعوت کرده باشد آماده خواهد بود. این قرارداد به تصویب رسید و نسخ مصوب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد گردید.

از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۰ هر عضو سازمان ملل با هر دولت غیرعضوی که به شرح

بالا از آن دعوت شده باشد می‌تواند به این قرارداد ملحق شود. اسناد الحاق نیز به دبیرخانه کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد گردید.

ماده دوازدهم:

هر دولت متعاهدی در هر موقع می‌تواند با اعلام به دبیرکل سازمان ملل متحد مقررات این قرارداد به کشورها یا یک کشوری که امور خارجی مربوط به آن را عهده‌دار است شامل نماید.

ماده سیزدهم:

همین که بیست سند تصویب یا اسناد الحاق به دبیرکل سازمان برسد صورت مجلس در این باب از طرف او تنظیم شده رونوشت آن صورت مجلس را برای تمام اعضاء ملل متحد و دول غیرعضو مذکور در ماده ۱۱ خواهد فرستاد.

این قرارداد پس از ۹۰ روز از تاریخ تسلیم بیستمین سند مصوب یا اسناد الحاق به موقع اجراء گذاشته خواهد شد. هر تصویب یا الحاقی که بعد از آن تاریخ صورت گیرد ۹۰ روز پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق معتبر خواهد بود.

ماده چهاردهم:

مدت قرارداد از تاریخ اجرای آن ده سال خواهد بود پس از پایان مدت مزبور نیز مادامی که طرف‌های متعاهد لااقل شش ماه قبل از انقضاء آن را فسخ نموده‌اند پنج سال به پنج سال خود به خود تمدید خواهد شد. فسخ قرارداد مزبور کتباً اعلام و به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال خواهد گردید.

ماده پانزدهم:

هرگاه بر اثر فسخ این قرارداد عده متعاهدین به کمتر از شانزده برسد قرارداد مزبور از تاریخ آخرین اعلام فسخ و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده شانزدهم:

هر یک از متعاهدین در هر موقع حق دارد به وسیله اعلام کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد تجدیدنظر در این قرارداد را تقاضا نمایند. مجمع عمومی درباره این تقاضا به نحو مقتضی تدابیر لازم اتخاذ خواهد کرد.

ماده هفدهم:

دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب ذیل را به کشورهای عضو سازمان دولت‌های غیر عضو مذکور در ماده ۱۱ اعلام خواهد کرد.

الف. امضاءها و تصویب‌ها و الحاق‌هائی که به منظور اجرای ماده ۱۱ به دبیرکل واصل گردد.

ب. اعلام‌هائی که در اجرای ماده ۱۲ می‌رسد.

پ. تاریخی که این قرارداد به موجب ماده ۱۳ به موقع اجراء گذارده می‌شود.

ت. اعلام فسخ قرارداد به موجب ماده ۱۴.

ث. الغاء قرارداد به موجب ماده ۱۵.

ج. اعلام‌هائی که به موجب ماده ۱۶ دریافت گردد.

ماده هیجدهم:

نسخه اصلی این قرارداد در بایگانی سازمان ملل متحد ضبط خواهد گردید. یک نسخه مصدق برای هر یک از اعضای سازمان ملل متحد و دول غیر عضو مذکور در ماده ۱۱ فرستاده خواهد شد.

ماده نوزدهم:

این قرارداد از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد در تاریخ اجراء به ثبت خواهد رسید.

بخش دوازدهم

قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی

دول عاقد این قرارداد

نظر به اینکه منشور ملل متحد مبتنی است بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه دول عضو ملل متحد متعهد شده‌اند که منفرداً و مشترکاً با همکاری سازمان برای نیل به یکی از هدف‌های ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب اقدام نمایند.

نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که کلیه افراد انسانی به طور آزاد و یکسان از لحاظ حیثیت و حقوق متولد می‌شوند و باید بتوانند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در آن اعلامیه بدون تمایز بخصوص از حیث نژاد و رنگ و یا ملیت برخوردار شوند.

نظر به اینکه کلیه افراد بشر در پیشگاه قانون برابر بوده و حق دارند علیه هر نوع تبعیض و هر نوع تحریک به تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند.

نظر به اینکه ملل متحد استعمار و کلیه روش‌های تفکیک و تبعیضی را که به همراه دارد به هر شکل و در هر محلی که موجود باشد محکوم نموده و اعلامیه مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ راجع به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره (قطعنامه ۱۵۱۴ دوره پانزدهم مجمع عمومی) لزوم ختم سریع و بی‌قید و شرط استعمار را تأیید و رسماً اعلام نموده.

نظر به اینکه اعلامیه مورخ بیستم نوامبر ۱۹۶۳ ملل متحد (قطعنامه ۱۹۰۴ - دوره

هجدهم مجمع عمومی) راجع به رفع هر نوع تبعیض نژادی رسماً لزوم رفع سریع کلیه اشکال و همه مظاهر تبعیضات نژادی را در سراسر گیتی و همچنین لزوم تأمین تفاهم و احترام به حیثیت شخص انسانی را مورد تأیید قرار داده.

با اطمینان به اینکه فرضیه سیادت و تفوق مبتنی بر اختلاف بین نژادها عملاً مردود و اخلاقاً محکوم و از نظر اجتماعی غیر عادلانه و خطرناک بوده و تبعیض نژادی نه از لحاظ نظری و نه از لحاظ عملی قابل توجیه نمی باشد با تأیید مجدد اینکه تبعیض بین افراد بشر به جهات مبتنی بر نژاد و رنگ و یا ریشه قومی سدی در برابر وجود روابط دوستانه و مسالمت آمیز در میان ملل بوده و امکان دارد صلح و امنیت بین ملل و همچنین همزیستی هم آهنگ اشخاص را در داخل یک دولت مختل سازد.

با اطمینان به اینکه وجود موانع نژادی با آرمان‌های جامعه بشری قابل جمع نیست. با احساس خطر از مظاهر تبعیض نژادی که هنوز در برخی از نواحی جهان مشهود است و نیز سیاست‌های حکومتی مبتنی بر برتری یا تنفر نژادی از قبیل آپارتاید - و تفکیک و جدائی مصمم به اتخاذ کلیه تدابیر لازم برای امحاء سریع کلیه اشکال و تمامی مظاهر تبعیض نژادی و مصمم به پیش‌گیری و مبارزه با فرضیه‌ها و رویه‌های نژادی - به منظور تسهیل حسن تفاهم بین نژادها و مبنای یک جامعه بین‌المللی که از قید کلیه اشکال تبعیض و تفکیک نژادی آزاد باشد.

با تذکار مفاد قرارداد مربوط به رفع تبعیض در مورد شغل و حرفه مصوب سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۸ و با توجه به قرارداد مربوط به مبارزه با تبعیض نژادی در زمینه تعلیم که از طرف سازمان فرهنگی و علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۶۰ به تصویب رسیده.

با تمایل به اجرای اصول مقرر در اعلامیه ملل متحد راجع به رفع کلیه انواع تبعیضات نژادی و حصول اطمینان از اتخاذ سریع تدابیر عملی در این راه به شرح زیر موافقت نمودند:

بخش اول

ماده ۱:

۱. در قرارداد حاضر اصطلاح «تبعیض نژادی» اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و

ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که براساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشاء ملی و یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قراردادن شناسائی یا تمتع و یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد.

۲. قرارداد حاضر ناظر به تمایزات و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها و یا رجحاناتی که هر یک از دول عاقد قرارداد بین اتباع خود و اتباع سایر دول قائل می‌شوند نخواهد بود.

۳. مقررات قرارداد حاضر را نباید طوری تفسیر نمود که در مقررات قانونی دول عاقد راجع به تابعیت و ملیت و قبول تابعیت به نحوی از انحاء مؤثر واقع شود. مشروط بر اینکه مقررات مزبور علیه ملیت خاصی قائل به تبعیض نباشد.

۴. تدابیر خاصی که صرفاً به منظور تأمین ترقی شایسته برخی از گروه‌های نژادی یا قومی یا افرادی که برای تمتع و استیفاء از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در شرایط متساوی محتاج حمایت‌اند اتخاذ شده باشد، به منزله تدابیری که جنبه تبعیض نژادی دارند تلقی نخواهد گردید مشروط بر اینکه این اقدامات منجر به برقراری حقوق متمایز برای گروه‌های نژادی مختلف نشود و پس از حصول هدف‌هایی که موجب اتخاذ تدابیر مذکور گردیده بود ادامه نیابد.

ماده ۲:

۱. دول عاقد تبعیض نژادی را محکوم می‌نمایند و متعهد می‌شوند که با توسل به کلیه وسائل مقتضی و بدون درنگ سیاسی را دنبال کنند که هدف آن از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و تسهیل توافق و تفاهم در بین کلیه نژادها باشد و برای نیل به این مقصود:

الف. هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود که به هیچ نوع اقدام و یا رفتار تبعیض نژادی علیه اشخاص و گروه‌های افراد و یا مؤسسات مبادرت نرزد و ترتیبی فراهم آورد که کلیه مقامات و مؤسسات دولتی اعم از مملکتی یا محلی این تعهد را رعایت نمایند.

ب. هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود که هیچ روش تبعیض نژادی را که از طرف فرد یا سازمانی اتخاذ گردیده مورد تشویق و دفاع و یا تأیید قرار ندهد.

ج. هر یک از دول عاقد موظف است تدابیر مؤثری اتخاذ نماید که سیاست‌های مملکتی و محلی تجدیدنظر و مقرراتی را که موجب ایجاد و یا تثبیت و استمرار تبعیضات نژادی گردد در هر کجا که باشد اصلاح یا ابطال و یا فسخ کند.

د. هر یک از دول عاقد مکلف است به کلیه وسایل مقتضی و منجمله در صورت اقتضا از طریق تدابیر تقنینیه اعمال هر نوع تبعیض نژادی را از ناحیه افراد یا دسته‌ها یا سازمان‌ها ممنوع سازد و بدان پایان دهد.

ه. هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود عنداللزوم تشکیلات و نهضت‌های طرفدار یگانگی نژادها و سایر وسایل از میان بردن موانع بین نژادها را مورد تشویق قرار دهد و موجبات عدم ترغیب هر عملی را که باعث تقویت تفرقه نژادی می‌شود فراهم آورد.

۲. دول عاقد در صورت اقتضاء در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و غیره تدابیر خاص و معینی برای تأمین رشد و توسعه مطلوب برخی گروه‌های نژادی یا افراد وابسته به آنها و حمایت از این گروه‌ها و افراد اتخاذ می‌نمایند. این تدابیر بدین منظور اتخاذ می‌گردد که استیفای کامل حقوق بشری و آزادی‌های اساسی در شرایط متساوی برای ایشان تضمین شود ولی نباید پس از نیل به هدف موجب و منشاء حفظ حقوق غیرمتساوی و متمایز برای گروه‌های نژادی گردد.

ماده ۳:

دول عاقد بخصوص تفکیک نژادی و اعمال روش‌های آپارتاید را تقبیح و محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که در کلیه اراضی که در قلمرو صلاحیت قضائی آنهاست انجام این قبیل اعمال و روش‌ها را قدغن و ممنوع ساخته و آنرا ریشه‌کن سازند.

ماده ۴:

دول عاقد هر نوع تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر تفوق یک نژاد و یا گروهی از اشخاصی که رنگ و یا منشاء قومی معین دارند الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه یا تشویق کند تقبیح می‌نمایند و متعهد می‌شوند که به منظور ریشه‌کن ساختن این چنین تحریکات یا تبعیضات و به طور کلی برای محو هر قسم تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. و در این راه اصول اعلامیه جهانی

حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده پنجم این قرارداد تصریح گردیده است مورد توجه قرار دهند.

دول عاقد مخصوصاً متعهد می شوند که:

- الف. نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی و همچنین اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز بذل هر نوع مساعدت منجمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیضی نژادی را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید.
- ب. سازمان‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی متشکل و هر قسم فعالیت تبلیغاتی دیگر را که محرک تبلیغات نژادی بوده و یا آن را تشویق نماید و عضویت در این چنین سازمان‌ها را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید.
- ج. به مقامات مسئول یا مؤسسات عمومی از مملکتی و یا محلی اجازه ندهند تبعیضات نژادی را ترغیب یا تشویق نمایند.

ماده ۵:

دول عضو طبق تعهدات اساسی مندرج در ماده ۲ متعهد می شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتی که باشد ممنوع و ریشه کن سازند و حق هر فرد را به مساوات در برابر قانون و به ویژه در تمتع از حقوق زیر بدون تمایز از لحاظ نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت تضمین نمایند.

الف. حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم و سایر مراجعی که اجرای عدالت را به عهده دارند.

ب. حق برخورداری از امنیت شخصی و حمایت دولت در برابر تجاوز و صدمه جسمی از ناحیه مأمورین دولت و یا هر فرد یا دسته یا تشکیلات.

ج. حقوق سیاسی و بخصوص حق شرکت در انتخابات و رأی دادن و نامزد شدن براساس سیستم اخذ رأی همگانی و یکسان و حق مشارکت در حکومت و اداره امور

عمومی و حق نیل به مشاغل عمومی دولتی به هر رتبه و مقام در شرایط مساوی.

د. سایر حقوق مدنی، خصوصاً:

۱. حق رفت و آمد آزاد و انتخاب اقامتگاه در داخل یک کشور.

۲. حق ترک هر کشور و من جمله ترک میهن خود و بازگشت به آن.
 ۳. حق داشتن یک تابعیت.
 ۴. حق تملک چه به صورت فردی و چه به شکل مشارکت.
 ۵. حق توارث.
 ۶. حق آزادی فکر و وجدان و مذهب.
 ۷. آزادی عقیده و بیان.
 ۸. حق آزادی اجتماع و تشکیل جمعیت‌های مسالمت‌آمیز.
- ه. حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خصوصاً:
۱. حق کارکردن و انتخاب آزاد شغل و استفاده از شرایط عادلانه و رضایت‌بخش کار و برخورداری از حمایت در برابر بیکاری و دریافت دستمزد مساوی برای کار مساوی و دریافت پاداش منصفانه و رضایت‌بخش.
 ۲. حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و عضویت در آنها.
 ۳. حق مسکن.
 ۴. حق استفاده از بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی و بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی.
 ۵. حق تحصیل و کارآموزی حرفه‌ای.
 ۶. حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی با شرایط یکسان.
- و. حق دسترسی به کلیه امکاناتی که به عموم عرضه می‌شود از قبیل وسایط نقلیه و هتل‌ها و رستوران‌ها و کافه‌ها و تماشاخانه‌ها و پارک‌ها.
- ماده ۶:

دول عاقد برای کلیه افراد مشمول صلاحیت قضائی خود در برابر هر نوع تبعیض نژادی که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد را برخلاف مقررات این قرارداد مورد تجاوز قرار دهد حمایت و یک طریقه دادرسی مؤثر در برابر محاکم ذی صلاحیت ملی و سایر مراجع صلاحیتدار مملکتی تأمین خواهند کرد و همچنین حق افراد را در مطالبه غرامت و جبران عادلانه و متناسب خساراتی که بر اثر اعمال تبعیضات نژادی وارد می‌گردد تضمین خواهند نمود.

ماده ۷:

دول عاقد متعهد می‌شوند به منظور مبارزه با تعصباتی که منجر به تبعیضات نژادی می‌شود و نیز برای تعمیم و بسط تفاهم و روح گذشت و سازش و مودت در میان ملل و گروه‌ها و نژادها و اقوام مختلف و ترویج نیات و اصول منشور ملل متحد و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه ملل متحد درباره رفع تبعیضات نژادی و مفاد این قرارداد اقدامات مؤثر علی‌الخصوص در زمینه تعلیم و تربیت و فرهنگ و نشر اخبار معمول دارند.

بخش دوم

ماده ۸:

۱. کمیته‌ای به منظور رفع تبعیضات نژادی (که از این پس «کمیته» نامیده می‌شود) مرکب از هجده نفر کارشناس واجد صفات عالی اخلاقی و بی‌طرف که من‌باب اهلیت و مقام شخصی انجام وظیفه خواهند نمود و از طرف دول عاقد با توجه به لزوم توزیع جغرافیائی عادلانه و دربرگرفتن اشکال مختلفه تمدن و سیستم‌های عمده قضایی انتخاب می‌شوند تشکیل خواهد شد.

۲. اعضای کمیته با رأی مخفی از بین کسانی که دول عاقد برای عضویت کمیته نامزد کرده‌اند انتخاب می‌شوند. هر دولت عضو می‌تواند یک نفر را از میان اتباع خود نامزد کند.

۳. نخستین انتخابات شش ماه پس از تاریخ اجرای این قرارداد انجام می‌گیرد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر دوره انتخاباتی دبیرکل ملل متحد کتباً از دول عضو دعوت خواهد کرد تا نامزدهای انتخاباتی خود را ظرف دو ماه معرفی نمایند.

دبیرکل ملل متحد فهرست اسامی کلیه کسانی را که بدین ترتیب نامزد شده‌اند به ترتیب حروف الفباء و با ذکر نام دول عضوی که آنها را نامزد کرده‌اند تهیه و به دول عاقد این قرارداد تسلیم می‌کند.

۴. انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای متشکل از کلیه دول عضو که از طرف دبیرکل ملل متحد در مقر ملل متحد دعوت می‌شوند انجام خواهد گرفت. در این جلسه که با

حضور دو سوم دول عضو حائز اکثریت می شود کسانی به عضویت کمیته انتخاب می شوند که تعداد بیشتر و اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر و رأی دهنده دول عضو را به دست آورند.

۵. الف. اعضای کمیته برای مدت چهار سال انتخاب می شوند. معذک دوره عضویت نه نفر از کسانی که در نخستین انتخابات به عضویت برگزیده می شوند پس از دو سال منقضی می گردد و رئیس کمیته بلافاصله پس از انجام نخستین انتخابات اسامی این نه عضو را به حکم قرعه تعیین می نماید.

ب. برای جانشینی کارشناسی که به علل غیر منتظره از ادامه وظایف خود در کمیته دست کشیده، دولت متبوع او کارشناس دیگری را از میان اتباع خود مشروط به تصویب کمیته منصوب می کند.

۶. پرداخت هزینه و مخارج اعضای کمیته، مادامی که در کمیته انجام وظیفه می کنند به عهده دول عضو خواهد بود.

ماده ۹:

۱. دول عاقد متعهد می شوند گزارش درباره اقدامات قانونی و قضائی و اداری و غیره که به منظور اجرای مقررات و مفاد این قرارداد معمول داشته اند در موارد زیر به دبیرکل تسلیم نمایند که مورد مطالعه و بررسی کمیته قرار گیرد:

الف. ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن قرارداد در مورد هر یک از دول.

ب. متعاقباً هر دو سال یکبار و به علاوه هر وقت که کمیته چنین تقاضائی بنماید. کمیته می تواند از دول عاقد تقاضای اطلاعات تکمیلی بنماید.

۲. کمیته هر سال گزارش اقدامات و فعالیت های خود را توسط دبیرکل به مجمع عمومی تسلیم می دارد و می تواند براساس مطالعه و بررسی گزارش ها و اطلاعات واصله به دول عضو پیشنهادها و توصیه هائی که دارای جنبه عمومی است بنماید. این پیشنهادها و توصیه های عمومی در صورت لزوم همراه با ملاحظات دول عضو به مجمع عمومی گزارش خواهد شد.

ماده ۱۰:

۱. کمیته آئین نامه و مقررات داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد کرد.

۲. کمیته هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب خواهد نمود.
۳. دبیرخانه کمیته به عهده دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد بود.
۴. جلسات کمیته عادتاً در مقر سازمان ملل متحد منعقد خواهد گردید.

ماده ۱۱:

۱. هرگاه یکی از دول عضو، چنین تشخیص دهد که یکی دیگر از دول عضو مقررات قرارداد حاضر را مرعی و مجری نمی‌دارد، می‌توان توجه کمیته را به موضوع جلب کند کمیته مراتب را به اطلاع دولت مربوطه می‌رساند. دولت مربوطه ظرف سه ماه توضیحات کتبی برای روشن شدن قضیه و عنداللزوم اقداماتی که ممکن بود به عمل آید تسلیم کمیته می‌کند.

۲. هرگاه ظرف شش ماه پس از اطلاع اولیه به دولت دریافت کننده موضوع از طریق مذاکرات دو جانبه یا از هر طریق دیگری که برای دولت مقدر باشد به صورت مرضی الطرفین حل و فصل نشود هر یک از دو دولت مزبور حق خواهد داشت که موضوع را مجدداً به وسیله یادداشتی به کمیته مرجوع دارد و مراتب را به دولت دیگر نیز اطلاع دهد.

۳. کمیته فقط در صورتی می‌تواند در مورد یک اختلاف طبق بند ۲ این ماده رسیدگی نماید که قبلاً اطمینان حاصل کرده باشد که کلیه طرق دادخواهی در حقوق داخلی که براساس اصول کلی مورد قبول حقوق بین‌المللی استوار باشد، مورد استفاده و توسل قرار گرفته است این قاعده در مواردی که آئین دادخواهی متضمن مواعد طولانی غیر معقولی باشد اعمال نمی‌گردد.

۴. کمیته می‌تواند در مورد هر موضوعی که به آن ارجاع می‌شود اطلاعات تکمیلی دیگری که لازم بداند از دول مربوطه بخواهد.

۵. در مواقعی که کمیته به موجب ماده حاضر مشغول بررسی موضوعی می‌باشد هر یک از دول ذینفع می‌توانند نماینده‌ای تعیین کنند که بدون داشتن حق رأی در تمام مدت رسیدگی در جلسات کمیته شرکت نماید.

ماده ۱۲:

الف. پس از آنکه کمیته کلیه اطلاعاتی را که لازم تشخیص می‌دهد تحصیل نمود و